

# مقایسه دو تحریر از انیس الطالبین و علق السالکین

سجاد زهتاب سدهی<sup>۱</sup> - سلمان ساکت<sup>۲</sup> - محمدجعفر یاحقی<sup>۳</sup>

## چکیده

انیس الطالبین و علق السالکین از کتب عرفانی مهم قرن هشتم است که در شرح مقامات و اقوال خواجه بهاءالدین محمد نقشبند، بنیان‌گذار سلسله نقشبندیه، اندکی پس از درگذشت او به رشته تحریر درآمده است و با فاصله کمی پس از تألیف، تلخیصی از آن، صورت گرفته است. این مقاله بر آن است تا به این پرسش پاسخ دهد که چرا از این اثر تحریری مختصر فراهم آمده است. از آنجا که متن مفصل انیس الطالبین به چاپ رسیده ولی متن مختصر آن هنوز منتشر نشده است، نگارندگان پیش از چاپ متن مختصر، بر اساس نسخ خطی موجود از آن و نیز متن چاپی تحریر مفصل، به مقایسه آنها پرداخته و کوشیده‌اند تا تفاوت‌های دو تحریر انیس الطالبین و علق السالکین را نشان دهند. در پژوهش حاضر نخست به جایگاه مولف و اثر پرداخته شده و پس از آن با به دست دادن نمونه‌های متنی و جداول مقایسه‌ای، تفاوت این دو تحریر از جنبه‌های مختلف بررسی شده است. نتیجه بررسی دو تحریر این است که متن مختصر صرفاً، تلخیصی از متن اصلی نیست؛ بلکه مولف تحریر مختصر با کاستن و افزودن و تغییر در عبارات، جملات و حکایات کتاب، تألیف مستقلی از این اثر فراهم آورده است. از این رو تصحیح، انتشار و پژوهش درباره تحریر مختصر به مثابه اثری مستقل ضروری است.

کلیدواژه‌ها: انیس الطالبین و علق السالکین، تحریر مفصل، تحریر مختصر، نسخه‌شناسی.

---

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد Email: [sajadzehtab@ail.umac.ir](mailto:sajadzehtab@ail.umac.ir)

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) Email: [saket@umac.ir](mailto:saket@umac.ir)

۳. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد Email: [ferdows@umac.ir](mailto:ferdows@umac.ir)

## ۱. مقدمه

موضوع نقد و تصحیح متون در تحقیقات دانشگاهی جایگاه ویژه‌ای دارد که ارزش و اهمیت آن بر اصحاب فضل و دانش پوشیده نیست و می‌توان گفت این پژوهش‌ها زمینه‌ای است برای آشنایی بیشتر با تاریخ ادبیات ایران و گستره زبان فارسی در جغرافیای ایران فرهنگی ولو اینکه امروزه مرزهای سیاسی، هم‌زیستی گذشته را با مشکلاتی مواجه کرده باشد. علاوه بر این باید در نظر داشت که فراهم آوردن متون مصحح و منقح گذشته برای پژوهش‌های سایر حوزه‌ها از جمله تألیف لغت‌نامه بزرگ زبان فارسی، پژوهش‌های زبان‌شناختی، سبک‌شناختی، تاریخ ادبیات، تاریخ زبان فارسی، نقد ادبی و ... ضروری است، بنابراین تصحیح و تحقیق نسخ خطی علاوه بر حفظ و اشاعه میراث غنی فرهنگی و تاریخی پیشینیان، در پژوهش‌های زبان‌شناسی، تاریخ اجتماعی و آشنایی با ملل و نحل و اندیشه‌های گوناگون نقش عمده‌ای بر عهده دارد.

*انیس الطالبین و عدة السالکین* یکی از کتب ارزشمند و قابل تأمل مقامات در زبان فارسی است که تا کنون تصحیح نشده است. ارزش این متن، از آن روست که مولف آن بی‌واسطه محضر خواجه بهاء‌الدین، بنیان‌گذار سلسله نقشبندیه را درک کرده است، بنابراین در مقایسه با دیگر کتب مقامات از قبیل *اسرار التوحید* و ... مولف آن خود بسیاری از وقایعی را که روایت کرده، از نزدیک دیده بوده است. ارزش دیگر کتاب این است که زبان فارسی آن برخی از ویژگی‌های زبانی منطقه‌ای بیرون از مرزهای کنونی ایران را در بر دارد. از دیگر ویژگی‌های کتاب می‌توان به تأثیرپذیری از کتب عرفانی پیشین و تأثیرگذاری آن بر کتب بعدی اشاره کرد.

از این اثر چندین نسخه خطی به جا مانده که مهم‌ترین آن نسخه کتابخانه خدابخش است؛ این نسخه علاوه بر اینکه قدیم‌ترین دست‌نویس این اثر است، به دلیل آنکه به خط عبدالرحمن جامی است، از اهمیت مضاعفی برخوردار است. در این پژوهش نخست اهمیت این اثر و جایگاه آن در ادبیات عرفانی و سپس تفاوت دو تحریر موجود آن بررسی شده است.

## ۲. پیشینه تحقیق

متن مفصل *انیس الطالبین* و *علق السالکین* به تصحیح و مقدمه خلیل ابراهیم صاری اوغلی و به کوشش توفیق سبحانی از سوی سازمان انتشارات کیهان در سال ۱۳۷۱ به چاپ رسیده است. حسین آقاحسینی و احمدرضا یلمه‌ها در مقاله‌ای با عنوان «*انیس الطالبین* و *علق السالکین* از کیست؟» به تحریر مختصر این اثر و صحت و سقم انتساب آن به خواجه محمد پارسا پرداخته‌اند. نویسندگان ضمن بررسی احتمالات مختلف درباره مولف اثر در پایان نتیجه گرفته‌اند که «باید در انتساب تحریر کتاب مختصر به خواجه محمد پارسا تردید را کنار گذاشت» (آقاحسینی و یلمه‌ها، ۱۳۹۲: ۲۰-۵). علی اصغر میرباقری فرد در مقاله «خواجه محمد پارسا» در *دانشنامه زبان و ادب فارسی*، اولین اثری را که از او نام می‌برد *انیس الطالبین* و *علق السالکین* است. او پس از بحث درباره کسانی که این اثر به آنان انتساب یافته، همه را نادرست دانسته و ضمن تأیید نظر آقاحسینی و یلمه‌ها، آن را از خواجه محمد پارسا دانسته است (میرباقری فرد، ۱۳۹۷: ۱۶۲-۱۵۹) که در بحث انتساب اثر بیشتر به آن خواهیم پرداخت. جواد بشری در مقاله «دستنویسی پراهمیت از *انیس الطالبین* و ارتباط آن با دهخدا (فراخوانی برای تدوین کتاب‌شناسی مآخذ لغت‌نامه دهخدا)» به اهمیت قدیمی‌ترین نسخه تحریر مفصل که در کتابخانه مرعشی نگهداری می‌شود، پرداخته و گفته است که این نسخه در اختیار علی‌اکبر دهخدا بوده و در *شواهد لغت‌نامه* از آن بسیار استفاده کرده است (بشری، ۱۳۹۸: ۱۰۲-۸۹). اگر چه مقاله مذکور به تحریر مفصل اثر پرداخته ولی باید گفت فواید لغوی‌ای که بر تحریر مفصل مترتب است درباره تحریر مختصر هم صدق می‌کند.

هاجر جمالی و مریم حسینی در مقاله «مقایسه تطبیقی دو کتاب *انیس الطالبین* و *مقامات خواجه بهاء‌الدین نقشبند*» به بیان شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو اثر پرداخته‌اند (جمالی، حسینی، ۱۴۰۱: ۶۴-۳۵). نویسندگان مقاله پس از معرفی این دو کتاب، تأثیرپذیری ابوالحسن محمدباقر بن محمدعلی، نویسنده *مقامات خواجه نقشبند* را از *انیس الطالبین* نشان داده و با ذکر نمونه‌هایی از نظر محتوا و مضمون به شباهت‌های این دو اثر پرداخته‌اند. همچنین اثبات کرده‌اند که *انیس الطالبین*، مأخذ بسیاری از حکایات کتاب *مقامات خواجه نقشبند* بوده است.

## ۳. تحلیل و بررسی

### ۳-۱. درباره مؤلف و انتساب *انیس الطالبین* به وی

محمد بن محمد بن محمود حافظی بخاری (متوفای ۸۲۲ ق.) مشهور به خواجه پارسا از بزرگان فرقه نقشبندیه است؛ وی از جانشینان خواجه بهاءالدین محمد نقشبند (متوفای ۷۹۱ ق.) است؛ خواجه بهاءالدین بنیان‌گذار فرقه نقشبندیه و یکی از مشاهیر تصوف و عرفان در قرن هشتم هجری است.

نقشبندیه فرقه‌ای برآمده از فرقه خواجهگان است؛ خواجهگان به پیروان خواجه یوسف همدانی اطلاق می‌شود که نسبت خواجه نقشبند با شش واسطه به یوسف همدانی می‌رسد. همدانی چهار خلیفه دارد که از آن میان عبدالخالق غجدوانی جانشین او در بخارا است. غجدوانی هشت اصل از اصول یازده‌گانه فرقه نقشبندیه را بنا نهاده و پس از او بهاءالدین سه اصل بر آن افزود. این اصول یازده‌گانه عبارتند از: «هوش در دم، نظر بر قدم، سفر در وطن، خلوت در انجمن، یادکرد، بازگشت، نگاهداشت، یادداشت، وقوف عددی، وقوف زمانی و وقوف قلبی» که مشروح آن در *رشحات عین‌الحیات* آمده است (علی صفی، ۲۵۳۶: ۵۰-۳۸). خواجه بهاءالدین در روزگاری می‌زیست که از سویی فرقه‌های مختلف تصوف ظهور کرده بودند و انحرافات زیادی در میان پیروان این فرق ظاهر شده بود و از سوی دیگر تشیع و در نتیجه فرقه‌های صوفی شیعی رو به گسترش بود. هدف او دوری از این انحرافات و بدعت‌ها بوده است، بنابراین بنای طریقت خود را در نزدیکی هرچه بیشتر بر شریعت گذاشته است. جانشینان او یکی خواجه علاءالدین عطار (متوفای ۸۰۲ ه.) است که اثری از او به جا نمانده و مدت زیادی هم پس از مراد خود زندگی نکرده است و دیگری خواجه محمد پارسا است.

خواجه پارسا آثار زیادی به رشته تحریر درآورده است که از آن جمله یکی *تحریر مختصر انیس‌الطالبین* و دیگری «رساله قدسیه» است. در مورد مؤلف این تحریر اختلافات زیادی در منابع کتاب‌شناسی به چشم می‌خورد؛ تألیف این اثر به صلاح بن مبارک بخاری، حسام‌الدین خواجه یوسف حافظی بخاری، قاسم بن محمد صفایی و خواجه محمد پارسا انتساب یافته است.

احمد طاهری عراقی که مصحح کتاب *قدسیه* با عنوان فرعی «کلمات بهاءالدین نقشبند» است، *انیس‌الطالبین* را دارای دو تحریر دانسته و نام این کتاب را در زمره آثار خواجه محمد پارسا آورده است (بخارایی، ۱۳۵۴: ۷۵ و ۷۴). پس از آن، آقاحسینی و یلمه‌ها با نگارش مقاله‌ای با عنوان «*انیس‌الطالبین* از کیست؟» اثبات کرده‌اند که این اثر تألیف خواجه محمد پارسا است (آقاحسینی، یلمه‌ها، ۱۳۹۲: ۱۹). یکی از دلایل ایشان ذکر کتابی به نام *انیس‌الطالبین* در برخی از کتاب‌های تاریخی است و اینکه مصحح کتاب *قدسیه* در مقدمه، *انیس‌الطالبین* را یکی از آثار خواجه پارسا دانسته است. آنان همچنین شباهت مطالبی که در انگیزه نوشتن *انیس‌الطالبین* و *رساله قدسیه* آمده، دلیل دیگری بر یکسانی مولف این دو کتاب دانسته‌اند. علاوه بر اینها، در پیشانی دست‌نویس آرشیو ملی هند نام خواجه محمد پارسا به عنوان مصنف کتاب ذکر شده است (همان: ۱۷). منظور ایشان نسخه موزه دهلی نو (به شماره ۱۱۰۶) است که در سال ۹۴۷ ق. کتابت شده است. در عنوان این دست‌نویس چنین نوشته شده است: «*انیس‌الطالبین* در شرح مقامات حضرت خواجه بهاء

الحق والدين تصنيف خواجه محمد پارسا قدس الله تعالى روحهما». میرباقری فرد هم ضمن تأیید دلایل آفاحسینی و یلمه‌ها می‌گوید: «... با توجه به اینکه اولاً این کتاب بعد از وفات بهاء‌الدین (۷۹۱ق) تألیف شده، ثانیاً صلاح بن مبارک در سال ۷۹۳ق در گذشته است، ثالثاً بنابر شواهد و قرائن موثق، تألیف کتابی با چنین موضوعی از سوی خواجه محمد پارسا قطعی به نظر می‌رسد. می‌توان تحریر مختصر این کتاب را از خواجه محمد پارسا دانست و دربارهٔ انتساب آن به صلاح بن مبارک بخاری تأمل کرد» (میرباقری فرد، ۱۳۹۷: ۱۶۱).

نگارندگان نیز در تأیید مطالب گفته‌شده، ذکر دو نکته را ضروری می‌دانند: نخست اینکه در *انیس الطالبین* هر کجا نام کتابی آمده است، به نام نویسنده آن هم اشاره شده ولی در پایان قسم دوم نام کتاب «رسالة قدسیه» بدون اشاره به مولف آن آمده (برگ ۱۰ پ) و ظاهراً معرفه به عهد ذهنی است و این می‌تواند دلیلی باشد بر اینکه تحریر مختصر از صلاح بن مبارک نیست، چون *رسالة قدسیه* از آثار مشهور و مسلم خواجه محمد پارسا است و خواجه پارسا نامی از خود که مولف کتاب بوده، در تحریر مختصر نبرده است. دیگر اینکه در آغاز نسخه گنج‌بخش (به شماره ۵۸۶۶) که به تاریخ ۹۴۶ ق. کتابت شده، چنین آمده است: «... نقطه دایره توحید و دایره نقطه تفرید، منبع اهل صفا و کوکب اصطفاء، خواجه صورت و معنا، خواجه محمد پارسا قدس الله روحه الازکی مقید سلک تحریر و سمت تصویر گردانیده‌اند و بدین وسیله طالبان را لذت سر آداب چشانیده...».

درباره اهمیت متن مختصر باید گفت اگرچه هر دو متن مفصل و مختصر در کلیات یکی هستند، لیکن «در سبک، ساختار، تعداد حکایات و پیوستگی و گسستگی داستان‌ها تفاوت‌های بسیاری وجود دارد، چندان‌که نمی‌توان تحریر مختصر را خلاصهٔ تحریر مفصل دانست...» (میرباقری، ۱۳۹۷: ۱۶۱). نه تنها آغاز و پایان این تحریر کاملاً متفاوت با تحریر مفصل است، بلکه در ذکر اشعار و حکایات هم تفاوت‌هایی دارد؛ به سخن دیگر اشعار و حکایاتی در این تحریر آمده که در تحریر مفصل نیست و بالعکس که در ادامه به این تفاوت‌ها پرداخته شده است.

## ۲-۳. ایجاز و اطناب

پیش از پرداختن به شیوه و هدف مولف در تألیف متن مختصر، بایسته است به این پرسش پاسخ دهیم که قصد مولف، تألیف متنی مختصر بوده است یا موجز. منظور ما از اختصار فقط تلخیص متن است بدون تغییر در الفاظ و منظور از ایجاز، تلخیص متن است که در موارد متعددی ممکن است در آوردن الفاظ هم تغییراتی ایجاد شود؛ در این زمینه سخن صاحب *تاج العروس* روشنگر است:

«... قد فرَّق بعضُ المحققین بین الاختصار و الإیجاز؛ فقال: الإیجازُ تحریرُ المعنی من غیر رعایة لِلفظِ الاصلِ بلفظِ یَسیرٍ و الاختصارُ تجریدُ اللفظِ الیسیرِ مِنَ اللفظِ الکثیرِ مع بقاءِ المعنی...» (زبیدی، ج ۱۱، ۱۳۹۲: ۱۷۳).

مؤلف تحریر مختصر علاوه بر آنکه قصد داشته متنی مختصر فراهم آورد، در موارد متعدد به ایجاز کلام هم نظر داشته؛ با این کار از اطناب متن مفصل کاسته و این یکی از مهم‌ترین وجوه تمایز آن از متن مفصل است که البته بر زیبایی اثر افزوده است.

در صفحات آغازین قسم دوم که مربوط به بدایت احوال خواجه بهاء‌الدین نقشبند است حکایتی آمده است که آن را از هر دو تحریر آورده‌ایم:

| متن مفصل   | متن مختصر (موجز)  |
|--|---|
| <p>در آن میان بر زبان من گذشت که الهی! قوت کشیدن بار بلا و تحمل محنت محبت خود، مرا کرامت کن. گفته‌اند: محبت در بکوفت، محنت جواب داد، بامداد چون به حضرت خواجه حاضر شدم توجه به من کردند و از مقام فراست و بصیرت آنچه دوش بر من گذشته بود فرمودند و گفتند: ای فرزند! در دعا چنین می‌باید گفت که الهی! آنچه رضای حضرت تو در آن است این بنده ضعیف را بر آن دار به فضل و کرم خود، و هرآینه رضای خداوند - عزوجل - در آن است که بنده را بلا نبود و اگر به حکمت خود به دوستی بلا فرستد، به عنایت خود آن دوست را قوت کشش آن بار دهد و حکمت آن را بر او ظاهر گرداند.</p> <p>(مفصل: ۸۲ و ۸۱)</p> | <p>در میان سخنان من اظهار قوت و جَلادت بود در کشیدن بار بلاى خداوند -عزوجلّ- و بار محنتِ محبتِ الهی چنانکه پیر هری -قدّس سرّه- گفته است: «محبت در بکوفت، محنت جواب داد: ای من غلام آنکه از آن خویش فرا آب داد!» چون بامداد به حضرت خواجه حاضر شدم به نور فراست روی به من کردند و گفتند: ای فرزند! در دعا چنین می‌باید گفت که الهی! آنچه رضای توست مرا بر آن دار؛ رضای خداوند -عزوجلّ- هرآینه در آن است که بنده بی‌بلا بود و اگر بلا فرستد به حکمت خود، به عنایت خود قوت کشش دهد.</p> <p>(برگ ۶ ر)</p> |

ایجازِ قصرِ متنِ مختصر در مقایسهٔ دو حکایت بالا نمایان است. در حکایت زیر هم ایجازِ قصر به وضوح دیده می‌شود:

| متن مفصل  | متن مختصر (موجز)  |
|---|---|
| <p>نقل کردند خواجه علاء‌الحق‌والدین -نور الله مرقدہ- از حضرت خواجهٔ ما -قدّس الله روحه- که می‌فرمودند که در اوایل طلب روزی گذر من بر قمارخانه افتاد، جمعی را دیدم که به قمار مشغول بودند و در آن جمع دو کس در آن کار استغراق تمام داشتند اما یکی مغلوب شده بود و هرچه داشت از نقد و نسیه درباخته و با وجود آن هرلحظه سعی و جدّ او در آن کار زیاده بود و با آن</p> | <p>روزی گذر من بر قمارخانه افتاد، یکی هرچه داشت از نقد و نسیه درباخته بود و هرلحظه رغبت و نشاط او در آن کار زیادت می‌شد و می‌گفت بَسْت نکنم ای شکرکار، ای یار شیرین‌روی، اگر سر رود روی از تو نگردانم. از صفت آن مرد مرا غیرت آمد و طلب من در ترقی شد.</p> <p>(برگ ۷ ر)</p> |

|  |  |
|--|--|
|  | <p>حریف غالب می‌گفت: ای یار شیرین‌روی، اگر سر رود از این روی نگردانم. چون من آن حالت او را دیدم در آن کار از آن ذوق و شوق او مرا غیرت آمد و از آن روز باز طلب و سعی من در این راه در ترقی شد.</p> <p>(مفصل: ۱۰۷)</p> |
|--|--|

در مثال زیر مولف با تغییری جزئی بر ایجاز کلام افزوده است ولی برخلاف دو مورد پیشین در این نمونه با ایجاز حذف مواجهیم:

| متن مفصل   | متن مختصر (موجز)  |
|--|---|
| <p>از حضرت خواجه ما - قدس الله روحه - سوال کردند که حضرت شما را به چه توان یافت؟ فرمودند به متابعت رسول - صلی الله علیه و سلم - .</p> <p>(مفصل: ۱۴۲)</p> | <p>پرسیدند حضرت شما را به چه توان یافت فرمودند به تشرع.</p> <p>(برگ ۱۲ ر)</p> |

در حکایت زیر نیز با کاربرد ایجاز حذف بر لطف سخن افزوده است:

| متن مفصل  | متن مختصر (موجز)   |
|---|--|
| <p>... چون به آن موضع رسیدند، حضرت خواجه متوجه به خانه‌ای شدند و درویشان را فرمودند که این خانه را سوراخ سازیت، زود درویشان به آن عمل مشغول شدند و سوراخ کردند. خواجه فرمودند که در فلان موضع این خانه جوالی است پر از رخت می‌باید در این خانه درآمدن و آن جوال را بیرون آوردن، زود درویشان درآمدند و آن جوال پر از رخت را بیرون آوردند ... مطالعه آن واقعه سبب رسوخ محبت جماعتی شد.</p> <p>(مفصل: ۱۶۷)</p> | <p>... چون به آن محلّت رسیدند به خانه‌ای، فرمودند: دیوار این خانه را سوراخ سازیت، زود اصحاب به آن کار متوجه شدند و سوراخ کردند، فرمودند: در این خانه در فلان موضع جوالی پر از رخت است، درآییت و بیرون آریت، درآمدند و بیرون آوردند ... مطالعه این واقعه سبب رشد و یقین جماعتی شد.</p> <p>(برگ ۱۹ پ و ۲۰ ر)</p> |

### ۳-۳. قصد مؤلف از تلخیص

تلخیص و گزینش متون مفصل در آثار علمی، ادبی و عرفانی سابقه‌ای طولانی دارد. یکی از دلایل این امر جنبه آموزشی آن است تا طالبان علم نخست با کلیات آشنا شوند و پس از آن به تفصیل به جزئیات پردازند و با غور و تفحص بیشتر به آن علم روی آورند؛ کتاب *مفصل* و *مختصر* تفتازانی که در حوزه بلاغت تألیف شده یکی از این آثار است که چند

قرن در شمار کتب درسی مدارس قدیم بوده است. یکی از آثار مشهور در تاریخ ادبیات فارسی و شعر عرفانی که دو تحریر از آن وجود دارد، حدیقه سنایی غزنوی است.

انیس‌الطالبین در چهار قسم تألیف شده که عنوان این چهار قسم در هر دو تحریر یکسان است:

قسم اول: در تعریف ولایت و ولی.

قسم دوم: در شرح ابتدای احوال خواجه ما - قدس الله روحه - و سلسله خواجهگان - نور الله مراقدهم.

قسم سوم: در بیان طریقه سلوک و صفت صحبت و نتیجه صحبت حضرت خواجه ما - قدس الله روحه - و ذکر حقایق و لطایفی که در مجالس صحبت بر لفظ مبارک حضرت ایشان می‌گذشته است.

قسم چهارم: در ذکر کرامات و مقامات و احوال و آثار که از حضرت خواجه ما - قدس الله روحه - به ظهور آمده است.

به نظر می‌رسد مقصود مؤلف تحریر مختصر انیس‌الطالبین از تلخیص این اثر، کاستن از اطناب ممل متن مفصل و جذب مخاطب حداکثری بوده است؛ مؤلف با کاستن از حواشی و زواید بر جذابیت این متن افزوده است؛ برای نمونه در قسم سوم، چند صفحه آغازین متن مفصل به کیفیت سلوک و زیست خواجه نقشبند اختصاص یافته است (مفصل: ۱۱۵-۱۳۱)، چنان‌که از عنوان این فصل هم معلوم می‌شود، موضوع آن «بیان طریقه سلوک و صفت صحبت و نتیجه صحبت حضرت خواجه» است و این چند صفحه حکایاتی نسبتاً طولانی دارد. پس از این به «ذکر حقایق و لطایفی که در مجالس صحبت بر لفظ مبارک حضرت ایشان می‌گذشته است» پرداخته و سخنانی از بهاء‌الدین نقل کرده است که عمدتاً کوتاه هستند و می‌توان آن‌ها را جملات قصار خواجه نامید. مؤلف متن مختصر قسمت اول را نادیده گرفته و از اینجا به بعد را با تغییر و تصرفاتی نقل کرده است. قسم سوم در تحریر مختصر پر از این جملات قصار است که گاه بعضی از این سخنان در یک یا دو جمله کوتاه خلاصه می‌شود. قطعاً مؤلف متن مختصر علاوه بر اینجاز و اختصار و پرهیز از اطنابی که متن مفصل دارد، قصد داشته سخنان خواجه هرچه بیشتر برجسته شود و در ذهن مخاطب بماند. این شیوه حذف و تلخیص، قسم سوم کتاب را تبدیل به یکی از دلکش‌ترین بخش‌های کتاب کرده که مخاطب را به خواندن ادامه متن ترغیب می‌کند.

در زیر آغاز قسم سوم را در متن مختصر با همان بخش از متن مفصل مقایسه می‌کنیم:

| متن مفصل   | متن مختصر  |
|--|--|
| ... اکثر سخنان که از حضرت خواجه ما - قدس الله روحه - به ظهور آمده است از اشارات و رموز آیات و احادیث نبوی و آثار صحابه و سیر سلف صالح است. | نقل کردند از حضرت خواجه ما - قدس الله روحه - که فرمودند، قوله تعالی: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا﴾ [نساء (۴)]، [۱۳۶] اشارت است به آن که در هر طرفه العینی نفی این |



|   |  |
|---|--|
| <p>وجود طبیعی می‌باید کرد و اثبات واجب‌الوجود -جلّ ذکره- .<br/>(برگ ۱۱ ر)</p> | <p>می‌فرمودند که قوله تعالی: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ﴾ [نساء (۴)، ۱۳۶] اشارت به آن است که در هر طرفه العینی نفی این وجود طبیعی می‌باید کرد و اثبات معبودی حقیقی می‌باید نمود.<br/>(مفصل: ۱۳۱ و ۱۳۰)</p> |
|---|--|

در قسم سوم مانند نمونه فوق، آیات و احادیث فراوانی آمده که پس از آن تفسیر و تأویلی از بهاء‌الدین نقل شده است، حال آنکه بسیاری از این جملات طولانی و آیات و احادیث در متن مختصر حذف شده است؛ همچنین در خلال این سخنان، پرسش‌هایی از سوی مریدان مطرح شده که به تطویل حکایت انجامیده است؛ مؤلف متن مختصر همه را حذف کرده است، گویا هدف تنها برجسته کردن سخنان خواجه بوده است.

### ۳-۴. شیوه تألیف

خواجه پارسا در تألیف متن مختصر انیس الطالبین با شگردهایی که در ساختار اثر، نحو کلام، جمله‌بندی، کاستن و افزودن عبارات ایجاد کرده است، اثری مستقل و متفاوت از متن مفصل پدید آورده است. در ادامه به چگونگی این شگردها، وجه تمایز دو تحریر و سبک و سیاق متن مختصر پرداخته شده است:

#### ۱-۴-۳. حذف

مهم‌ترین موردی که در متن مختصر به چشم می‌خورد، مسأله «حذف» است. این حذف در متن مختصر انواعی دارد که با به دست دادن نمونه‌هایی از متن مفصل و مقایسه با متن مختصر نشان داده می‌شود:

#### ۱-۱-۴-۳. حذف نام راوی حدیث و مشایخ

| متن مختصر   | متن مفصل   |
|---|--|
| <p>در حدیث است؛ «قیل یا رسول الله من اولیاء الله قال صلی الله علیه و سلم الذّین اذا رأوا ذکر الله عزّ و جلّ». (برگ ۳ ر)</p> | <p>نقل صحیح است از ابن عباس-رضی الله عنهما- که گفت از حضرت پیغمبر -صلی الله علیه و علی آله و اصحابه و سلّم- سوال کرده شد: «من اولیاء الله تعالی؟ چه کسان‌اند دوستان حق تعالی؟ پیغمبر -صلی الله علیه و علی آله و سلّم- فرمود: الذّین اذا رأوا ذکر الله آنان‌اند دوستان حق که هرچگاه ایشان را بینی تو را از حق تعالی</p> |

|  |                             |
|--|-----------------------------|
|  | یاد آید.<br>(مفصل: ۷۲ و ۷۱) |
|--|-----------------------------|

در متن مختصر نه تنها نامی از راوی حدیث نیست، ترجمه حدیث هم حذف شده است و از این جاست که می توان نتیجه گرفت که در تلخیص انیس الطالبین صرفاً مخاطب عام در نظر نبوده است. این حذفیات تنها در احادیث نبوده است، بلکه در ذکر سخنان مشایخ هم به چشم می خورد به گونه ای که در بسیاری از موارد علاوه بر حذف راوی، نوع کاربرد فعل ها نیز به صورت غیر نقلی به کار رفته است؛ از این رو حتی نمی توان فهمید در متن مفصل نقل قولی به کار رفته است؛ به عنوان مثال در متن مفصل سخنی از حکیم ترمذی در شرح حدیثی آمده که نحوه روایت آن در متن مختصر نه نامی از صاحب سخن دارد و نه هیچ نشانی از نقل قول:

| متن مختصر  | متن مفصل  |
|--|---|
| <p>دل ولی معدن انوار جلال و هیبت و کبریاء و بهاء قربت الهی است و تازگی و نور روی او از دل است. هر که در روی آن ولی محبوب نظر کند، او را از حق تعالی یاد آید.<br/>(برگ ۳ ر)</p> | <p>امام العارفین خواجه محمد علی حکیم ترمذی - قدس الله روحهما - در شرح این حدیث در کتاب خود نوادر الاصول فی احادیث الرسول ذکر کرده است که دل ولی معدن انوار جلال الهی و هیبت کبریاء و بهاء قربت است و تازگی و نور روی ولی از دل اوست، پس چون دل بنده مومن به حیات طیبه آن نور زنده گردد، عکس آن بر سیمای او ظاهر گردد و در صفحه جبین او لایح تا هر که در روی آن ولی محبوب نظر کند، او را از حق تعالی یاد آید.<br/>(مفصل: ۷۲)</p> |

## ۲-۱-۴. حذف نام مؤلف متن مفصل

مؤلف متن مفصل چون در قسم چهارم تمامی حکایات را با جمله «نقل کردند» آغاز می کند، گاه برای اطمینان از صحیح بودن حکایات نقل شده از افراد دخیل در حکایت نیز صورت حال را می پرسد و چه بسا اطمینان خاطر مخاطب نیز مد نظر مؤلف بوده است؛ در یکی از این حکایات که مربوط به شخصی به نام شیخ امیرحسین است، پس از ذکر حکایت می گوید: «این ضعیف این قصه را از ناقل شنوده بود، از شیخ امیرحسین پرسیدم ...» حال آنکه مؤلف متن مختصر جمله «این ضعیف ...» را حذف کرده و در جمله بعد به جای «پرسیدم» نوشته است: «پرسیدند». برای مقایسه بهتر، جملات از هر دو متن ذکر می شود:

| متن مفصل  | متن مختصر  |
|---|--|
| ... زود از آب بیرون آمد. این ضعیف این قصه را از ناقل شنوده بود، از شیخ امیرحسین پرسیدم که سبب توقف شما در آب چه بود؟<br>(مفصل: ۱۷۹) | ... شیخ امیرحسین سر از آب بیرون کرد. بعده از شیخ امیرحسین پرسیدند که سبب توقف شما در آب چه بود؟<br>(مختصر: برگ ۳۶ الف) |

در حکایتی دیگر که مربوط به درویشی است که غلام او گریخته بود و آن درویش به نزد خواجه بهاءالدین نقشبند آمد و خواجه به او گفت: «غلام تو خواهد آمد» و سپس غلام باز می‌گردد، مؤلف متن مفصل می‌گوید: «این ضعیف نیز این قصه را از آن غلام پرسید؛ همچنین تقریر کرد» (مفصل: ۱۸۷)، حال آنکه در متن مختصر حکایت آمده ولی این جمله نیامده است (مختصر: برگ ۳۸ الف).

### ۳-۱-۴ حذف برخی از کلمات و جملات

گاه برخی از عبارات و جملات حذف شده که این حذفیات به فهم دقیق متن خلل وارد می‌کند:

| متن مفصل  | متن مختصر   |
|---|---|
| و می‌فرمودند: هر که خود را خواهد خود را نخواهد هر که دیگر را خواهد خود را خواهد.<br>(مفصل: ۱۵۲) | و می‌فرمودند: هر که دیگران را خواهد خود را خواهد.<br>(برگ ۱۶ پ) |

از آنجا که این جمله در همه نسخه‌ها به همین صورت آمده است، بعید است اشتباه کاتب باشد و به احتمال زیاد نتیجه دخل و تصرف مؤلف است.

### ۴-۱-۴ حذف بخشی از کرامات و خوارق عادات

عنوان قسم چهارم کتاب، «در ذکر کرامات و مقامات و احوال و آثار که از حضرت خواجه ما - قدس الله روحه - به ظهور آمده است» است. در متن مختصر کرامات و خوارق عاداتی که باور و پذیرش آن برای خواننده دشوار باشد، کمتر به چشم می‌خورد؛ اگر هم کرامتی هست بیشتر از نوع اشراف بر ضمائر است که در دیگر کتب مقامات هم نظایر بسیار دارد. در متن مفصل خرق عاداتی می‌بینیم که هیچ یک از این موارد در متن مختصر نیامده؛ مانند: مریدی که خبر مرگ برادرش - شمس‌الدین - را شنیده بود و خواجه به او گفت: «او نمرده است ... بوی او در این نزدیکی می‌آید» و ناگاه

شمس‌الدین از طرف بخارا می‌رسد (مفصل: ۱۶۸)، یا حکایت مریدی که در کشتی بود و «ناگاه باد مخالف برخاست و خوف آن شد که کشتی غرق گردد»، ولی مرید متوجه خواجه می‌شود و بلافاصله خواجه ظاهر می‌شود و «در لحظه از برکت ایشان باد ساکن شد و موج دریا ایستاد» (مفصل: ۱۶۹).

### ۵-۱-۴-۳. حذف پاره‌ای از مسائل عقیدتی

در متن مفصل - هرچند اندک- آشکارا اشاراتی به مذهب اهل سنت و عقاید ایشان شده است که خالی از تعصب نیست، در صورتی که در متن مختصر وجود ندارد و مؤلف به جای آنکه به مباحث کلامی و عقیدتی بپردازد، صرفاً به مسائل عرفانی پرداخته است؛ نمونه‌هایی از متن مفصل ذکر می‌شود:

«... کار استقامت دارد و متابعت سنت چنانکه در عقاید مسطور است ... فقهاء امت را از اهل سنت و جماعت و اهل معرفت را اجماع است بر اثبات کرامات اولیا ...» (مفصل: ۷۳)

«عجب از حال منکران کرامت نیست، عجب از اهل سنت و جماعت است که به براهین قاطعه و حجج ساطعه، اثبات کرامات اولیا می‌کنند و با وجود آنکه خوارق عادات از ایشان مشاهده می‌کنند، سخنانی می‌گویند که در آن سب اولیاست-اعاذنا الله تعالی و ایاکم من تلک الکلمات العوراء-» (مفصل: ۷۴)

با آنکه در متون عرفانی معمولاً از کتب حدیثی نام برده نمی‌شود - این شیوه مربوط به کتب علمای شریعت است- و اگر هم حدیثی ذکر می‌شود یا بدون سند و منبع است یا به نقل از مشایخ طریقت است، در متن مفصل به صراحت از صحیح بخاری نام برده شده که در متن مختصر حذف شده است:

«به حضرت ایشان در کتاب صحیح بخاری، در قصه موسی و خضر - علیهما السلام- این حدیث مذکور است که حضرت پیغامبر - صلی الله علیه و سلم- فرمودند: «رحم الله اخی موسی لو صبر لفض الله علیه» (مفصل: ۱۶۸ و ۱۶۷)

مسئله دیگر این است که سخنان مولف در متن مفصل جزمیت و قاطعیت بیشتری دارد؛ او در برابر مخالفان انعطافی نشان نمی‌دهد؛ مانند: «... خصوصاً در نفی کرامت سخن گفتن که به حقیقت نفی معجزه پیغامبران است ...» (مفصل: ۷۵)، حال آنکه در متن مختصر این جملات حذف شده است. همچنین آن اندازه که در متن مفصل به اثبات کرامات اولیا پرداخته، در متن مختصر اثری از این سخنان نیست، برای نمونه: «فهم ظاهرینان مقصور بر این است که ولی از گذشته و آینده خبر می‌دهد از این خبر ندارند که هر یک به صحبت اولیا راه یابد و به نظر قبول ایشان مشرف گردد، صفات بشری او به صفات ملکی متبدل شود ... حق -سبحانه و تعالی- در عقول ایشان (علمای باطن) زیاده کرده است تا بر احتمال احوالی قادر شدند که علماء ظاهر از آن عاجز و متحیر گشتند. از اینجاست که بعضی از اهل ظاهر منکر

شدند که وسوسه در نماز از آدمی منقطع گردد و یا او بر آب تواند رفت یا طیّ ارض او را به حاصل آید تا طعام مهیا او را در وقت یا در مکان غیر معهود حاضر گردد...» (مفصل: ۷۵).

## ۲-۴-۳. اضافه

با آنکه متن مختصر، ظاهراً تلخیص متن مفصل است ولی گاه جملات، ابیات و حتی حکایاتی دارد که در متن مفصل نیست. آنجا که در متن مفصل از اولیا سخن به میان آورده و می‌گوید اگر کسی «به نسبت ایشان در خاطر یا در ظاهر چیزی گذرد، خطر عظیم دارد؛ مثل این همچون آتشی است که در خاکستر پنهان است» (مفصل: ۷۶)، متن مختصر پس از این جمله افزوده: «و مثل نفی کننده چون کسی است که بی‌وقوف قدم بر آنجا می‌نهد» (مختصر: برگ ۴ر).

حکایت‌ها گاه در متن مختصر صورت کامل‌تری نسبت به متن مفصل دارد که در فهم مطلب به مخاطب کمک می‌کند:

| متن مفصل   | متن مختصر   |
|--|---|
| از حضرت شیخ جنید -قدس الله روحه- منقول است که می‌فرموده‌اند: شست سال است که در ایمان آوردنم. (مفصل: ۱۳۱) | از حضرت سید الطایفه جنید -قدس الله روحه- منقول است که فرمودند: پنجاه سال است که در ایمان آوردنم و در ایمان تازه کردنم و هنوز در آنم. (برگ ۱۱ ر) |

• یا این حکایت:

| متن مفصل  | متن مختصر   |
|---|---|
| روزی بر لفظ مبارک حضرت خواجه ما می‌گذشت که تعلق به ما سوی رونده این راه را حجابی به غایت بزرگ است. تعلق حجاب است و بی‌حاصلی از این بندها بگسلی اصلی بر خاطر این ضعیف گذشت که تعلق به ایمان و اسلام نیز باید که زیان دارد، حضرت خواجه به این شکسته توجه نمودند و تبسم کردند و فرمودند بیت منصور حلاج را نشنوده‌ای؟ ... گفتند کار، ایمان و اسلام حقیقی دارد و اهل حقیقت ایمان را چنین تعریف کرده‌اند که ... | درویشی که از اهل علم بود نقل کرد که روزی بر لفظ مبارک حضرت خواجه ما -قدس سره- می‌گذشت که تعلق به ما سوی الله رونده راه را حجاب کلی است. مصرع<br>تعلق حجاب است و بی‌حاصلی<br>بر خاطر این فقیر گذشت که تعلق به ایمان و اسلام نیز چگونه است، زیان دارد، حضرت خواجه -قدس الله روحه- از آن خاطر پرسیدند، عرض کردم، تبسم کردند و فرمودند بیت حسین بن منصور حلاج را -رحمه الله- نشنوده‌ای؟ ... آنگاه فرمودند این طایفه اهل الله ایمان را |

|                                      |             |
|--------------------------------------|-------------|
| چنین تعریف کرده‌اند که<br>(برگ ۱۱ ر) | (مفصل: ۱۳۱) |
|--------------------------------------|-------------|

گاه سخنانی از بهاءالدین در متن مختصر هست که در متن مفصل نیامده است، مانند این سخن که در قسم سوم آمده است:

«و می‌فرمودند: اول این راه کلمه توحید است و آخر هم، کلمه توحید سبق اول و آخر است، مفتاح سعادت است، هیچ در بی او گشاده نمی‌شود. از حضرت سلطان‌العارفین -قدس الله روحه- منقول است که در اواخر پوستینی پوشیده بود و می‌فرمود: الهی! همان دان که ترکی ام از ترکستان آمده، تنگری تنگری گویان اکنون به سعادت ایمان رسیده» (برگ ۱۷ پ).

یا این سخن:

«و می‌فرمودند: چون از کاری یا از کسی شما را یأس شود در حق -سبحانه- گریزید و تضرع آنجا برید» (برگ ۱۷ پ).  
یا:

«و می‌فرمودند: در زمان ملالت از صحبت خلق، یکی از گُرا سه روز خلوت گزیدند، چون بیرون آمد به صفتی بیرون آمد که کسی با ایشان صحبت نتوانست داشتن، تدبیر گویا این است» (برگ ۱۷ پ).

### ۳-۴-۳. جابه‌جایی

به ندرت اتفاق می‌افتد که در متن مختصر حکایتی جابه‌جا شده باشد؛ مثلاً حکایتی که در قسم اول متن مفصل (در تعریف ولایت و ولی) ذکر شده، تلخیصی از آن در قسم سوم متن مختصر (در بیان طریقه سلوک و صفت و نتیجه صحبت خواجه ما و ذکر حقایقی و لطایفی که در مجالس صحبت بر لفظ مبارک حضرت خواجه گذشته است) آمده است:

| متن مختصر   | متن مفصل   |
|---|--|
| روزی یکی در روی مبارک ایشان نظر می‌کرد، فرمودند: نظر مکن تا دل به باد ندهی.<br>دیوانه شود کسی که بیند رخ ما<br>(برگ ۱۷ ر) | منقول است که یکی در روی مبارک خواجه ما نظر می‌کرده است، فرموده‌اند: در ما نظر مکن تا دل به باد ندهی.<br>دیوانه شود کسی که بیند رخ ما<br>کم گرد به گرد ما چو دیوانه نه‌ای<br>(ص ۷۳) |

دلیل این جابه‌جایی‌ها که نمونه آنها بسیار کم است، بر نگارندگان معلوم نشده است.

### ۴-۴-۳. تغییر و اختلاف در ضبط

گاه در نقل قول از خواجه نقشبند اختلاف ضبط‌هایی در دو تحریر به چشم می‌خورد که به نظر نمی‌رسد دستبرد کاتبان باشد؛ چرا که نه در تحریر مفصل و نه در تحریر مختصر هیچ نسخه‌بدلی ندارد. برای نمونه:

«هر سوء ادبی که به نسبت این طایفه کرده شود آن را تدبیری هست الا اعتراض بر ایشان که بی‌تدبیر است ...». (مفصل: ۷۶)

در متن مختصر به جای سوء ادب، «گناهی» آمده است. (برگ ۴ ر)

برخی از اختلاف‌ها در ضبط اشعار و حتی احادیث دیده می‌شود که این مورد نیز به نظر نمی‌رسد تصرف کاتبان باشد، چرا که در این موارد هم هیچ نسخه‌بدلی وجود ندارد و به احتمال قریب به یقین این تغییرات از سوی مؤلف متن مختصر صورت گرفته است:

| متن مفصل  | متن مختصر  |
|---|--|
| و در آن حدیث قدسی که «اذا وجدت قلب عبدی خالیاً من الدنیا و الآخرة ملأته حبی حتی اذا ملأته قبضت علیه فکان فی قبضتی کنت سمعه و بصره و یده و رجله و لسانه و فواده فبی یسمع و بی یبصر و بی یبطش و بی یمشی و بی ینطق و بی یعقل» اشارتی است غامضه ... (مفصل: ۷۳ و ۷۲) | در حدیث قدسی است: «اذا وجدت قلب عبدی خالیاً عن حبّ الدنیا ملأته من حبی و اذا احببته کنت لسانه الّذی به ینطق» تا آنجا که فرمود «و عقله الّذی به یعقل و یحمد عقله للعقل الاکبر». (برگ ۳ پ) |

یا بیت زیر که از خواجه علی رامینی در متن مفصل نقل شده است:

زنهار از آن قوم گریزان می‌باش      ورنی نکنند جان عزیزان بحلت

(مفصل: ۷۲)

در متن مختصر مصراع به این شکل آمده است:

می‌باش از آن قوم هراسان زنهار (برگ ۳ پ)

## ۴. نتیجه گیری

در این پژوهش تفاوت دو تحریر مفصل و مختصر *انیس الطالبین* و *عراق السالکین* بررسی شده و نتایج زیر به دست آمده است:

متن تحریر مختصر تنها با هدف تلخیص متن فراهم نیامده است، بلکه تلخیصی همراه با ایجاز صورت گرفته است، بدین صورت که مؤلف اطناب‌های ممل را از متن زدوده و در بسیاری از موارد با بهره‌گیری از ایجاز بر زیبایی و کشش متن افزوده است. مقوله حذف در متن مختصر بیشترین بسامد را دارد چنان‌که مؤلف انواع حذف را با اهداف گوناگون به کار برده است: حذف نام راوی در احادیث و اقوال مشایخ، حذف نام مؤلف متن مفصل در هر جا که به عنوان پرسنده حکایت به صورت متکلم وحده سخن گفته است، حذف بخشی از کرامات و خوارق عادت به‌ویژه آنها که باور و پذیرش آن برای خواننده دشوار بوده است، حذف مسائل عقیدتی که وسعت مشرب و روحیه منعطف‌تر مؤلف تحریر مختصر را نسبت به تحریر مفصل نشان می‌دهد. در کنار انواع حذف، افزودن‌هایی نیز به متن مختصر به‌صورت معنادار به چشم می‌خورد، از جمله آوردن صورت کامل‌تری از یک حکایت مشترک و یا حتی نقل حکایت‌هایی که در تحریر مفصل نیامده است. بنابراین می‌توان گفت مسأله اضافات در تحریر مختصر نسبت به تحریر مفصل فرضیه استقلال این دو تحریر از یکدیگر را تقویت می‌کند.

از دیگر تفاوت‌ها میان این دو تحریر جابه‌جایی بخش‌های مختلف آن است که با اصول و ترتیب خاصی صورت نگرفته است و دلیل آن بر نگارندگان معلوم نشده است.

اهمیت متن تحریر مختصر و پژوهش درباره آن از چند جهت قابل اعتناست: یکی اینکه اولین اثری است که به زندگی خواجه بهاء‌الدین، بنیان‌گذار سلسله نقشبندیه، پرداخته و خود مؤلف هم بی‌واسطه محضر خواجه بهاء‌الدین را درک کرده است. دیگر اینکه از نظر ارزش‌های زبانی، ادبی، تاریخی، اجتماعی بسیار حائز اهمیت است. سوم اینکه با توجه به جستار حاضر، متن تحریر مختصر، تألیفی مستقل نسبت به تحریر مفصل به شمار می‌آید، بنابراین به‌عنوان اثری مستقل درخور تحلیل و بررسی است و باید تصحیحی منقح از آن عرضه شود.

---

۱. یکی از نگارندگان، شش نسخه از قدیمی‌ترین نسخ تحریر مختصر *انیس الطالبین* را برگزیده و تصحیح و تحقیق درباره آن را به پایان رسانده است که به زودی به چاپ خواهد رساند. ارجاعات ما به متن تحریر مختصر از همین نسخه است.



## منابع و مأخذ

- آقاحسینی، حسین، یلمه‌ها، احمدرضا (۱۳۹۲)، «انیس‌الطالبین و علق‌السالکین از کیست؟»، *مطالعات عرفانی*، شماره هفدهم، بهار و تابستان، صص ۲۰-۵.
- بخاری، صلاح بن مبارک (۱۳۷۱)، *انیس‌الطالبین و علق‌السالکین*، تصحیح خلیل ابراهیم صاری اوغلی، به کوشش توفیق سبحانی، تهران، سازمان انتشارات کیهان.
- بشری، جواد (۱۳۹۸)، «دستنویسی پراهمیت از انیس‌الطالبین و ارتباط آن با دهخدا»، *میراث شهاب*، سال ۲۵، شماره ۹۶، صص ۱۰۲-۸۹.
- بهار، محمدتقی (۱۳۸۶)، *سبک‌شناسی*، چاپ دهم، تهران، امیرکبیر.
- پارسا، خواجه محمد (قرن ۹ و ۸)، *انیس‌الطالبین و علق‌السالکین*، نسخه خطی کتابخانه خدابخش هند مورخ ۸۵۶، شماره ۱۳۴۰.
- پارسا، خواجه محمد (۱۳۵۴)، *قدسیه (کلمات بهاء‌الدین نقشبند)*، تصحیح طاهری عراقی، احمد، تهران، طهوری.
- جامی، عبدالرحمان (۱۳۷۱)، *بهارستان*، تصحیح حاکمی، اسماعیل، چاپ دوم، تهران، اطلاعات.
- جامی، عبدالرحمان (۱۳۷۳)، *نفحات الانس*، تصحیح عابدی، محمود، چاپ دوم، تهران، اطلاعات.
- جمالی، هاجر، حسینی، مریم (۱۴۰۱)، «مقایسه تطبیقی دو کتاب انیس‌الطالبین و مقامات خواجه بهاء‌الدین نقشبند»، *متن‌پژوهی ادبی*، دوره ۲۶، شماره ۹۳، پاییز ۱۴۰۱، ۶۴-۳۵.
- رواقی، علی (۱۳۹۴)، «گونه‌شناسی متن‌های فارسی؛ گونه فارسی فرارودی (ماوراء‌النهری) با نگاهی به کتاب ارشاد»، *آینه میراث*، سال ۱۳، ضمیمه شماره ۳۹، ۱۲۴-۵.
- رواقی، علی (۱۳۹۵)، «گونه‌شناسی متن‌های فارسی؛ گونه فارسی هروی»، *گزارش میراث*، دوره دوم، ضمیمه شماره ۴.
- الزبیدی، محمد مرتضی (۱۴۰۷)، *تاج‌العروس*، تحقیق عبدالعلیم الطحاوی، *مطبعة حكومة الكويت*.
- سعدی، مصباح بن عبدالله (۱۳۸۴)، *گلستان*، تصحیح غلامحسین یوسفی، چاپ هفتم، تهران، خوارزمی.

شکوری، محمدجان و دیگران (۱۳۸۵)، فرهنگ فارسی تاجیکی، برگردان از خط سیریلیک و تصحیحات: محسن شجاعی، تهران، فرهنگ معاصر.

علی صفی، فخرالدین (۲۵۳۶)، رشحات عین‌الحیات، تصحیح علی اصغر معینیان، تهران، بنیاد نیکوکاری نوریانی.

فهرستگان نسخ خطی، سازمان اسناد و کتابخانه‌های ملی جمهوری اسلامی ایران، <https://scripts.nali.ir/>

کرمینی، علی بن ادیب (۱۳۸۵)، تکملة الاصناف، به کوشش علی رواقی و سیده زلیخا عظیمی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

مستملی بخاری، ابوابراهیم (۱۳۹۸)، شرح تعرف، تصحیح محمد روشن، تهران، اساطیر.

مولوی، جلال‌الدین (۱۳۷۸)، کلیات شمس، تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، ۹ جلد، چاپ چهارم، تهران، امیرکبیر.

منزوی، احمد (۱۳۸۳)، فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، جلد ۳ و ۲، چاپ دوم، قم، مجمع ذخایر اسلامی.

میرباقری فرد، علی اصغر (۱۳۹۷)، خواجه محمد پارسا، دانشنامه زبان و ادب فارسی، زیر نظر اسماعیل سعادت تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، صص ۱۶۲-۱۵۹.

ناشناس (۱۳۶۷)، تاج‌الاسامی، تصحیح ابراهیمی، علی اوسط، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

ناشناس (۱۳۹۷)، دیباج‌الاسماء، تصحیح اسکندری، علی اصغر، تهران، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.